



اولین مانع غربی سازی؛ زن ایرانی - اسلامی

جامعه جدی‌تر می‌شود و نقش آفرینی برجسته‌تری برایش به تصویر کشیده می‌شود. ردّ این دوگان تقلبی را می‌توان از اولین تولید سینمای کشور تا به امروز مشاهده کرد؛ از اولین فیلم صامت تولیدی ایران یعنی «حاجی آقا آکاتور سینما» تا تولیدات سال‌های اخیر جریان شبه‌روشنفکری که امروز پس از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز گستاخانه روایت غیرواقعی خودشان از زن را ارائه می‌دهند و زن را با این دوگان بی‌هویت، ارزش‌گذاری می‌کنند و به این شکل بخش قابل توجهی از زنان متدین و در عین حال فعال در جامعه را با به تصویر کشیدن کلیشه‌هایشان سانسور می‌کنند. جالب اینجاست که این سانسورچی‌های حرفه‌ای، مدعی شعار «نه به سانسور» هم هستند!

که باورهای مردم درباره نقش زن و حجاب را مخلّ پروژّه غربی‌سازی و فرهنگ‌زدایی مردم ایران می‌دانست. در روایتی که سینما تا به امروز از زن برایمان منعکس کرده، زن ناگزیر از انتخاب بین دین‌مداری و ایفای نقش اجتماعی است و شخصیت زنی که مؤلفه‌های یک زن پایبند به دین را دارد (مثلاً حجاب دارد، نقش همسری و مادری برایش مهم است

نمی‌توان از رسانه‌ای که توسط یک حاکمیت استبدادی و غربزده وارد کشور شده، انتظار داشت به مسائل واقعی مردم بپردازد و پیشینه فرهنگی مردم را در تولیداتش در نظر بگیرد. اولین آثار تولیدی سینمایی کشور در بدو ورود سینما نشان داد سینما در ایران اساساً جاده صاف‌کن سیاست‌های استبدادی حاکمان است

و...،) به دست سینماگر از جامعه اخراج و منزوی می‌شود و بالعکس زنی که نمادهای یک زن پایبند به دین را ندارد، بروز و ظهورش در

سنت‌های دینی و فرهنگی مردم را مورد حمله خود قرار می‌دهد. اگرچه انقلاب اسلامی حرکتی بود که تا حدود زیادی سینما را متأثر کرد؛ اما سینما چارچوب ضد‌مردمی‌اش را حفظ کرد و نتوانست خود را از کارویژه‌هایی که از بدو ورود برایش تعیین شده بود جدا کند. یکی از کارویژه‌های جریان حاکم بر سینما چه قبل و چه پس از انقلاب، بازروایی مفاهیم کلان تشکیل‌دهنده

جامعه بود و بازروایی مفهوم «زن» و بحث‌های حول آن- از جمله حجاب- هم از مهم‌ترین نقاطی بود که جریان سینما بر بازروایی آن تاکید داشت؛ چرا

ایران یکی از معدود کشورهایی است که ورود پدیده رادیو، تلوزیون و سینما به آن خاستگاهی مردمی نداشته و می‌توان گفت ورود این پدیده مطلقاً با خواست و اراده حاکمیت صورت گرفته است. حاکمیتی غربزده که عملاً افسارش به دست نسل اول تحصیل‌کرده‌های فرنگ‌رفته بود. طبیعی است که نمی‌توان از رسانه‌ای که توسط یک حاکمیت استبدادی و غربزده وارد کشور شده، انتظار داشت به مسائل واقعی مردم بپردازد و پیشینه فرهنگی مردم را در تولیداتش در نظر بگیرد. اولین آثار تولیدی سینمایی کشور در بدو ورود سینما نشان داد سینما در ایران اساساً جاده صاف‌کن سیاست‌های استبدادی حاکمان است و نه تنها نسبتی با مسائل مردم ندارد؛ بلکه ریشه‌ها و

فقط آزادگان را یارای امر به معروف است

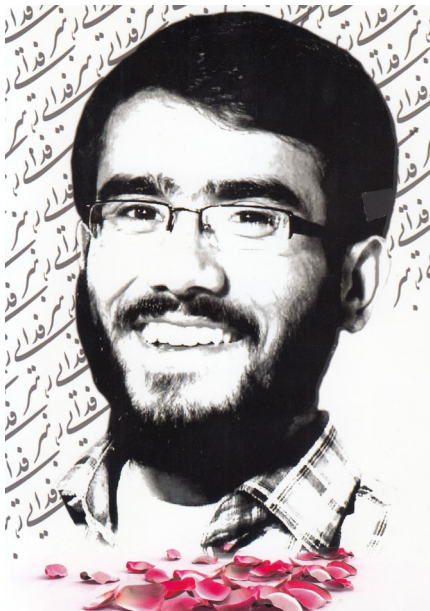
اول شهید امر به معروف اسلام ابوذر است. آنگاه که در پی بذل و بخشش‌های خلیفه از بیت المال به مروان و زید بن ثابت و... زبان به انتقاد گشاد و به شام تبعید شد. تبعید که شد، معروف را رها نکرد. معاویه را به ستوه آورده بود و به هیچ راهی رامش نبود. روزی که معاویه برایش ۳۰۰ دینار فرستاد، گفت: «اگر سهم من از بیت المال است، می‌پذیرم و اگر پادشاه معاویه است، نیازی بدان ندارم.» هنگامی که معاویه کاخ خضراء (سبز) را در دمشق بنا نهاد، ابوذر به او گفت: «ای معاویه! اگر این کاخ از پول خداست، خیانت است و اگر از پول خودت است، اسراف.» ابوذر نشان داد که آمران به منکر را نمی‌توان با نشستن بر سفره‌شان و بهره‌گیری از مالشان نهی کرد. ابوذر اگر یک درهم از اموال معاویه را می‌پذیرفت، ابوذر نمی‌شد. ظاهر ماجرا این است که ابوذر در فقر مطلق، تبعید، وسط بیابان و در حالی که برای کفن و دفن خویش، هیچ نداشت، جان سپرد؛ اما پیش‌تر پیامبر نوید بهشت را بدو داده بود. و پیامبر، آزادگی ابوذر از پول معاویه و حکومتی‌ها را می‌دید که به او نوید بهشت و دفن به دست مؤمنان را داد.

روایت فتح

گوهرشاد زنده است

گوهرشاد مملو از جمعیت بود. همه یک صدا شعار می‌دادند. مرگ بر شاه، لعنت بر شاه، مرده باد شاه و زنده باد اسلام، لعنت بر بهایی و لعنت بر دشمن‌ها. فریاد‌های اعتراض مردم پیوسته در صحن‌ها می‌پیچید. از دیروز که چندین نفر را به گلوله بستند، حالا خیل جمعیت از جای جای مشهد به حرم آمده‌اند و در داخل و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند. جمعیتی که به خاطر اسلام گرد آمده‌اند...

بخشی از نامه شهید خلیلی به رهبر انقلاب



شاهرگ و حنجره و روده و معده من عددی نیست که بخواهد ناز کند؛ هر چند که دکترها بگویند جراحی لازم دارد و خطرناک است و ممکن است چیزی از من نماند و... من نگران مسائل خطرناکتر هستم و می‌ترسم از ایمان چیزی نماند. شنیده‌ام که پیامبر(ص) فرمودند: اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، خداوند دعاها را نمی‌شنود و بلا نازل می‌کند. خواستم جلوی بلا را بگیرم... بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت سر خم می‌سلامت شکند اگر سبویی

مستند فتح

فتح تماشای مستند زیر را به همه خوانندگان توصیه می‌کند؛

مستند یک خانم محترم!



چند وقتی بود که از سفر رضاخان به ترکیه می‌گذشت. او با دیدن تغییراتی که ترکیه در راستای غربی شدن انجام داده بود، حالا به این فکر افتاده بود که ایران را هم به خیال خودش متمدن کند. پس شروع کرد به انجام کارهایی که تصور می‌کرد باعث رشد این مملکت خواهد شد. یکی از کارهایش این بود که لباس سنتی



مردم را از تنشان بیرون بکشد و لباس یکدست، در دست مردم بگذارد. حالا دستور، شهر به شهر اجرا می‌شد و این بار نوبت مشهد بود که کلاه شاپو سرش برود. مقاومت در میان مردم و علما شروع شده بود و کسی نمی‌خواست خودش را شبیه کافران کند. به همین خاطر آیت‌الله حسین قمی راهی تهران شد تا با شاه مذاکره کند؛ اما او را حبس و ممنوع الملاقات کردند. چند تن از علما هم در مشهد دستگیر شده بودند و این خون مردم را به جوش آورده بود. حالا چند روزی بود که مردم برای اعتراض به این سیاست‌ها در گوهرشاد تجمع کرده بودند و هر روز هم بر تعدادشان افزوده می‌شد. شیخ محمد تقی بهلول که می‌دانست چه بلایی سر آیت‌الله قمی آمده است، خودش را به مشهد رسانده بود؛ اما در حرم دست‌گیرش کرده بودند. فشار مردم موجب شد که آزاد بشوند و برای مردم در گوهرشاد سخنرانی کنند. حالا بعد از فروکش کردن شعارها و رسیدن نیمه شب، مردم همچنان در مسجد هستند. سایه‌هایی در پشت بام مسجد در حال حرکت هستند و راه‌های ورود و خروج مسجد را هم بسته‌اند. همه در جمعیت افتاد. سایه‌ها تبدیل به سربازان شدند و مسلسل‌ها مردم را به رگبار بستند. سفیر گلوله‌ها تا صبح در گوش مسجد می‌پیچید... آن روز گوهرشاد تا صبح نخواهد و کامیون‌هایی دید که هزاران انسان مرده و زنده را بیرون می‌بردند.

۹۹ امام فمینی

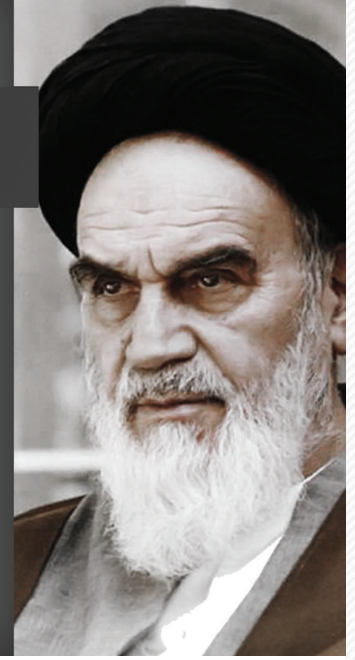
#زن_با_مرد_فرق_ندارد

در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن، چون مرد در تمام این‌ها آزاد است. زن هرگز با مرد فرقی ندارد.

جلد ۵ صحیفه امام، صفحه ۲۹۴

این کشور باید همه افرادش آمر به معروف و ناهی از منکر باشند. اعوجاج‌ها را خودشان رفع بکنند. اگر در یک کمیته‌ای خلاف واقع می‌شود، خود افراد کمیته و خود مردم آن اعوجاج را سفارش بکنند که رفع بشود. در همه قشرهای متصدی کار، سفارش به حق بکنند.

جلد ۱۳ صحیفه امام، صفحه ۴۶۷



یادداشت فتح

اقتصاد
رأس امور
است

هنوز یک ماه از صحبت‌های رهبری و تعیین خط مشی جدی در مسئله اصلی کشور نگذشته که جبهه انقلاب! درگیر مسائل فرعی - که اتفاقاً جبهه دشمن متمرکز بر آن‌هاست - شده. والله حجاب و پلیس و امنیت و... مهم است؛ اما اقتصاد و معیشت مردم امروز مهم‌تر است! امر به معروف را باید بر اصلاح اقتصاد متمرکز کنیم. من نمی‌توانم بپذیرم که این همه اتفاقات و جنجال‌های متنوع در کشور سر خود و اتفاقی رخ بدهد؛ ناگهان حسب اتفاق یک چادری، هوس سیگار کشیدن

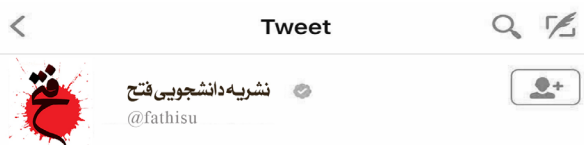
در خیابان کند و کاملاً اتفاقی آن دیگری از او عکس بگیرد! یا اینکه اتفاقی و البته از سر دغدغه خانمی به پلیس حمله کند و... تا کی قرار است دشمن زمین بازی را طراحی کند و جبهه انقلاب در آن بازی؟! تا کی قرار است بازی بخوریم؟! البته که بنا نیست حجاب را برای اقتصاد ذبح کنیم؛ اما این #جبهه نمی‌تواند در کنار حجاب برای #اقتصاد تجمع برگزار کند؟ تولید داخلی را فریاد بزنند؟ مبارزه با اختلاس را فریاد بزنند؟! کسب و کار و ریشه قاچاق را داد بزنند؟ درد مسکن مردم را داد بزنند؟! و الخ. پ.ن.ا: [رهبری معظم: در هر برهه‌ای یک مسئله اصلی در کشور هست که باید بر آن تمرکز کرد. قبل از پیروزی انقلاب، مسئله اصلی «رژیم طاغوت» بود که امام بر آن تمرکز کرد و موفق شد؛ بعد از پیروزی انقلاب، در یک برهه‌ای، مسئله «تثبیت نظام» بود، در یک برهه‌ای «جنگ تحمیلی صدام علیه کشور» بود که همه‌ی کشور بر مسئله جنگ تمرکز کردند، بحمدالله موفقیت حاصل

شد. امروز مسئله اصلی و نقد، مسئله «#اقتصاد» است. البته مسائل فرهنگی هم هست و بسیار مهم است، مسائل امنیتی هم همین جور، اما در بین همه‌ی این مسائل، آنچه از همه نقدتر است، مسائل #اقتصاد است که به معیشت مردم ارتباط پیدا می‌کند و در مسائل فرهنگی و امنیتی هم اثر می‌گذارد. [۱۴/۳/۹۸]



#موج سواری
#شبکه‌های اجتماعی
#نقش بهائیت
#درانجام بی حجابی

توییت فتح



شهید علیرضا ملازاده:

نگذار به اسم آزادی زن، با تو و دیگر خواهرانم همانند شیئی رفتار کنند. این فریاد از اعماق قلب من است.



شهید جواد مهرانشان:

زینب‌وار عمل کنید که حجاب و پاکدامنی شما کوبنده‌تر از خون شهیدان است.



حجاب در برابر خنجر

به همراه پسر کودکش در یکی از پارک‌های شهر «درسدن» آلمان نشسته بود که فردی مزاحمش شد و دهان گشود به توهین و مروه را فاحشه اسلامی خطاب کرد. مروه به دادگاه شکایت کرد و مرد توهین‌کننده به پرداخت ۷۵۰ یورو جریمه محکوم شد البته

مرد نپذیرفت و زمانی که دادگاه تجدید نظر تشکیل شد، بجای ارائه مدرک، در برابر نگاه قاضی، با چاقو به جان مروه افتاد و با هجده ضربه او را به شهادت رساند. «مروه شربینی» دختری مصری و مسلمان بود. از کالجی انگلیسی فارغ‌التحصیل شد و هفت سال عضو تیم ملی هندبال مصر بود. در سال ۲۰۰۸ به همراه شوهرش برای نوشتن تز دکترای به آلمان مهاجرت کرد و شد آنچه شد...



منیره منم دخت افراسیاب برهنه ندیده تم آفتاب

جهان‌بینی هر فرهنگ نقشی مهمی در کیفیت و نوع پوشش دارد، پوشش در ایران نیز پیوند عمیقی با حجاب دارد، تجلیات پوشش در میان زنان ایرانی چنان چشمگیر بود که اندیشمندان،

و هویت تمدن ایران بزرگ نیز است. آنان با زبون نشان دادن حجاب و با خرج هزینه‌های هنگفت و زیاد و فعالیت‌های صدها رسانه می‌خواهند روی این نقطه حساس

ایران نه حتی اسلام را منبع اصلی ترویج حجاب معرفی کرده‌اند.

یعنی هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان ایرانی اثر گذاری کنند! گاهی افراد خاصی حجاب اجباری را تخطئه می‌کنند؛ همان خطی را که دشمن با هزینه‌های فراوان نتوانسته در کشور به ثمر برساند.



پوشش زنان ایرانی در ایران باستان همواره سبک خاصی داشته و پوشش تمامی بدن در

ما از مترسک هایی که وطن‌فروشانه در بی‌بی‌سی خوش‌رقصی می‌کنند، نیست؛ بلکه آن قشر مذهبی‌هایی که عینک روشنفکری زده‌اند و داد جاهلانه آزادی‌خواهی سر می‌دهند نگران‌کننده اند.

دوره‌های مختلف تاریخ یک حقیقت بوده است. در تفسیر آقای عسری آمده که حجاب در فرس (همان فارس) وجود داشته است. لذا حجاب نه تنها عقیده ما ایرانیان در مورد دین بوده بلکه جزو فرهنگ

در باغ شهادت باز باز است...

دزدها وارد داروخانه خیابان دریا می‌شوند. زمانی که با داد و بیداد کارمند داروخانه مواجه می‌شوند، دست خالی پا به فرار می‌گذارند. غلامرضا که تازه از مسجد قدس بیرون آمده، تعقیب شان می‌کند و بدنبالشان می‌رود. در حین تعقیب و گریز گلوله‌ای شلیک می‌شود و به تن غلامرضا می‌نشیند. قبل از رسیدن به بیمارستان به شهادت می‌رسد تا اثبات کند در سعادت آباد



دهه هشتاد هم می‌توان به شهدا پیوست. بیت زیر شعری است که در لباس غلامرضا زبونی پیدا شده است «باید گذشتن از دنیا به آسانی باید مهیا شد از بهر قربانی».

